

بستریابی مدارس نوین کاشان و شناساندن آنها

سید محمود سادات*

m.sadat@yahoo.com

چکیده

هدف این مقاله، بررسی عوامل رشد مدارس نوین کاشان و معرفی نهادهای آموزشی این شهر در یک بستر تاریخی است. از این رو، ابتدا به شرح عوامل و اقشار اجتماعی مؤثر بر رشد مدارس نوین از جمله روشنفکران، محصلان اعزامی به فرنگ، روحانیون متجدد، یهودیان این شهر، نایبان، موقعیت جغرافیائی آن، وجود دودستگی دیرینه میان اهالی، جریان مشروطیت و نوگرایی (تجدد) و بورژوازی کمپرادور (وابسته) پرداخته، آنگاه نهادهای آموزشی، مکتبخانه‌ها، مدارس نوین ملی مسلمانان و یهودیان را معرفی می‌کند.

کلید واژه‌ها:

آموزش و پرورش، کاشان، مدارس غیرانتفاعی، مشروطیت، یهودیان، اقلیت‌های دینی، اصلاحات اجتماعی، مدارس اقلیت‌های مذهبی، نایبان، نوگرایی.

کاشان در عصر قاجار به طور اعم و در دوره ناصری به طور اخص، به سبب موقعیت جغرافیایی خاص و واقع شدن در نزدیکی تهران، بسرعت از تحولات پایتخت متأثر می‌گردید. بجز مورد پیشگفته، رفت و آمد تجار کاشی به تهران و تبعید افراد به کاشان، باعث شده بود که این شهر از یک طرف همواره در معرض تحولات جدید قرار بگیرد و از طرف دیگر وجود جامعه مذهبی سنتی در داخل شهر، امکان ایجاد تقابل میان نوگرایی و سنت را قابل پیش‌بینی می‌کرد. تعارضات محلی و دو دستگی اهالی شهر نیز بر وخامت اوضاع می‌افزود. لذا حکام شهر در دوره ناصری در صورت برقراری توازن بین دو دسته رقیب، می‌توانستند مدت بیش‌تری در رأس قدرت بمانند. در این صورت بود که گزارشهایی از رضایت اهالی به مرکز مخابره می‌شد.^۱

پس، کاشان در دوره قاجار بین دو جریان قرار داشت: سنت قوی و نیرومند از یک طرف که در بحث تربیت نیروی انسانی آن، مدارس قدیمه کاشان فعال بود و از طرف دیگر، تحولات دنیای جدید بود که به چندین دلیل در کاشان زودتر از برخی نقاط دیگر به وجود آمد که از ثمرات این تحولات ایجاد مدارس نوین در کاشان بود. در ادامه ابتدا به بررسی بستر ایجاد مدارس نوین در کاشان پرداخته می‌شود و سپس تعدادی از مدارس به ترتیب قدمت معرفی خواهد شد.

الف. عوامل و گروههای مؤثر در پیدایش مدارس نوین

۱. روشنفکران

در دوره قاجار در شهر کاشان افراد متنفذ از خانواده‌های سرشناس شهر همانند شیبانی، غفاری، صالح و نراقی، از توانمندی بالائی در ایجاد تحولات اجتماعی برخوردار بودند. زیرا تمکن مالی ناشی از تجارت ابریشم و نفوذ فوق‌العاده‌ای در حکومتگران

کاشان و تهران داشتند. «غفاری»ها در پایتخت از چنان نفوذی برخوردار بودند که برای رسیدن به اهداف خود، وجود صدراعظم را هم برنمی‌تاییدند و علیه او توطئه می‌کردند.^۲ خاندان غفاری، از معدود خاندانی بودند که در کاشان و تهران مصدر امور بودند: «قاضیهای ایالت مزبور [کاشان]، به طور موروثی از میان افراد این طایفه برمی‌خاستند. در دوره سلطنت قاجار، بر ثروت [آنان] بسی افزوده شد.»^۳

پولاک نوشته است: «در همین سال [۱۲۷۶ق.] / ۱۸۵۹م. و به دنبال سقوط میرزا آقاخان، ستاره اقبال خانواده فرخ خان امین‌الدوله طالع شد.»^۴ این افراد صاحب نفوذ، از روشنفکران زمان خود و اکثراً از حامیان مدارس نوین بودند. با گذشت زمان و نزدیک شدن به اواخر قاجار، تعداد این افراد بیش‌تر و در نتیجه شرایط برای ایجاد مدارس نوین در کاشان بهتر می‌شد. از مداری که به کمک این افراد در کاشان به وجود آمد، می‌توان از مدرسه مظفریه و مدرسه علمیه نام برد. محل مدرسه مظفریه، منزل یکی از «غفاری»ها در محله پشت عمارت بود.

۲. محصلان اعزامی به فرنگ

از علل به وجود آمدن و گسترش مدارس نوین در کاشان، وجود محصلان اعزامی به فرنگ می‌باشد. این افراد به خاطر تحصیلات و موقعیت خانوادگی خود، صاحب نفوذ بودند و در دستگاههای دولتی و انجمنهای کاشانیان و فاطمیة پایتخت - که مخصوص کاشیهای مقیم مرکز بود - و انجمن تشویق و ولایتی کاشان از تحولات جدید و بخصوص ایجاد مدارس حمایت می‌کردند و فرزندان خود را در کاشان به تحصیل در مدارس جدید وامی‌داشتند. سر منشأ اعزام محصلان به فرنگ، فرخ خان امین‌الملک غفاری کاشانی (امین‌الدوله بعدی)، سفیر ایران در پاریس بود. فرخ خان در سال ۱۲۷۵ق. / ۱۸۵۸م. مأمور

شکایت می‌بردند. این افراد، با ایجاد مدارس نوین در کاشان به دو دلیل مخالفت می‌ورزیدند:

یک - جلوگیری از تبلیغات بهائیت؛ دو - رقیب خود تصور کردن مدارس نوین در زمینه علم‌آموزی.

لذا به تکفیر این مدارس و دروس آنها می‌پرداختند و حفظ علم را منحصر به علوم حوزوی می‌دانستند. ملا عبدالرسول مدنی کاشانی، در مقابله با این افراد و دفاع از مدارس نوین نوشته است: «می‌گوئی مکتبخانه و مدرسه برای علم است و علم منحصر به نحو و صرف و فقه و اصول است؛ صغرا را قبول داریم اما کبرا را قبول نداریم! یعنی می‌گوئیم مدرسه برای علم است اما علم منحصر به این علوم نیست.»^۷

گروه دوم از روحانیون کاشان، تحولات جدید را با حسن نظر نگریده و مغایرتی در آن با قوانین شرع مقدس نمی‌دیدند. نماد برجسته این تفکر در کاشان، ملا حبیب‌الله شریف بود که حتی تقریظی در دفاع از مشروطیت نگاشته است. روحانی دیگر، ملا عبدالرسول مدنی، داماد ملا حبیب‌الله شریف بود که آثار بیش‌تری به دستور پدرزن خود در دفاع از مشروطیت و دستاوردهای آن از جمله مدارس نوین نوشته است. از وی، در این زمینه دو کتاب باقی مانده است: کتاب اول، نسخه‌ای خطی است به نام **کلمات انجمن** که در سال ۱۳۱۶ق. / ۱۸۹۸م. به نگارش درآمده و در آن به دفاع از مدارس نوین پرداخته شده است. مدنی در کلمه سوم از کلمات انجمن، به مقابله با تفکر سنتی همکسوتان خود برخاسته که علم را فقط منحصر به علوم حوزوی می‌دانستند: «طوری که شما معنی اخبار را دانسته‌اید که مقصود آن باشد که انسان باید در تمام عمر خود مشغول تحصیل نحو و صرف و معانی و بیان و اصول و فقه و اجتهاد باشد، تمام خلق که به این کار مشغول شدند از زن و مرد، تا شش ماه طول

اعزام محصل به فرنگ گردید. در موقع فرستادن محصلان به فرنگ، خانواده‌های آنان نگران فرزندان خود بودند. فرخ خان - که تازه از سفارت فرانسه برگشته بود - مشوق ناصرالدین شاه در این امر شد و برای رفع نگرانی آنان، بستگان و همشهریان خود را نیز جزو محصلان اعزام کرد.^۵ پس، وجود فرخ خان امین‌الدوله در دربار ناصرالدین شاه و سفارت او در اروپا، علت اصلی اعزام عده‌ای از جوانان کاشان به فرنگ بوده است.^۶

بعد از تحصیل و بازگشت این گروه از دانش‌آموختگان، متمکنان و بخصوص تاجران ابریشم، علاقه‌مند شدند که فرزندان آنها نیز ابتدا در مدارس نوین در کاشان تحصیل کنند، آنگاه برای طی مدارج عالی، راهی اروپا شوند. حتی فرستادن فرزند به مدارس نوین و سپس به اروپا، جزو تفاخرات خانوادگی شمرده می‌شد و این امر، خواسته یا ناخواسته به گسترش مدارس نوین در شهر کاشان می‌افزود.

۳. روحانیون متجدد

روحانیون کاشان، در اواخر دوره قاجار دو دسته بودند: یک دسته روحانیون سنتی که در برابر امواج نوخواهی به مخالفت برمی‌خاستند. دستاویز این افراد برای مقابله با نواندیشی - که مدارس جدید از نموده‌های برجسته آن بود - وجود اقلیتها در کاشان بود؛ به طوری که احداث هرگونه مدرسه جدید را از فعالیت‌های این اقلیتها به شمار می‌آوردند و البته زیاد هم بیراه نبود. از طرف دیگر ورود پارچه‌های خارجی، باعث رکود صنایع کاشان و بیکاری عده‌ای شده بود. برخی از این افراد - که درونمایه مذهبی چندانی هم نداشتند - برای لقمه‌ای نان از وجوهات شرعی به کسوت روحانیت درآمدند و حتی بعضاً برای به دست آوردن کرسی درس مدارس علمیه، با روحانیت اصیل درگیر می‌شدند و به حکومت



معلمان و شاگردان مدرسه علمیه کاشان (قبل از ۱۲۹۵ ش) (غلامرضا معارفی با علامت مشخص شده است)

آن تعلیم علوم نمایند، بلکه با این بهانه ترقی حاصل شود.^{۱۰}

مدنی از این امر که تمام افراد به تحصیل علوم حوزوی می پرداختند و اعتنائی به تحصیلات و مدارس نوین نمی کردند، دلخور بود: «... در تمام یک دولت مثلاً یک عالم کافی است برای بیان احکام شرعی و اگر نه ولایتی یک عالم یا دو عالم نه پنج عالم لازم دارد ... و این عدد کجا با ده هزار، چه در یک شهری که پنجاه هزار جمعیت خرد^{۱۱} و درشت دارد، اقلأ ده هزار آنها خود [را] از این طایفه می شمارند.»^{۱۲}

کتاب دوم وی - که به زیور طبع آراسته گشته - رساله انصافیه است که آن را در سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۹۱۰ م. در دفاع از مشروطیت نگاشته است. مدنی، در این کتاب بنای مدارس نوین را از جمله اصول مشروطیت دانسته و آن را خلاف دین ندانسته است: «نمی دانم چه منافاتی

نمی کشد که تمام مآکول و ملبوس دنیا تمام می شود و همه این علما باید هلاک شوند از گرسنگی و بی لباسی و بی عمارتی! چرا که می گویند پیغمبر فرمود: طلب علم و نحو و صرف و اصول و فقه و اجتهاد و اینها بر هر مرد مسلمان و زن مسلمانی لازم است از زمان گهواره تا لحد، اگر چه به رفتن تا چین باشد. پس معلوم می شود لازم نیست همه خلق در تمام عمر تحصیل این علوم نمایند.»^۸

مدنی، حتی به برخوردهای متکبرانهای که بین این نوع تفکر و محصلان مدارس نوین به وجود می آمد، اعتراض می کرد: «بعضی از حضرات همچو دانسته اند که باید وقتی از تحصیل مراجعت کردند، مردم فقیر بیچاره از آنها و بستگان آنها بترسند و این فقره را از شعائر اسلام بشمارند.»^۹ وی همواره افراد را به ایجاد مدارس نوین در کاشان تشویق می کرد: «همانا باید تشکیل مدارس جدید نمود تا اطفال در

بدانم دور کره زمین چقدر است، چقدر جمعیت دارد ... آیا هر که درست بفهمد، مسلمان نیست؟^{۱۷}

گفتنی است که وی این رساله را به سال ۱۳۲۸ق. / ۱۹۱۰م. - که شدت مقابله با مشروطیت و مدارس نوین در کاشان در اوج بود - به دستور ملا حبیب‌الله شریف نگاشته است و این رساله، در همان سال در عرض چند ماه در مطبعه ثریای کاشان چاپ شد تا در میان عامه توزیع شود و جو موجود را بشکند. شدت تبلیغات علیه مدارس نوین و دفاع از تحصیل علوم دینی، از لحن شدید مدنی در پایان فصل ذکر اصول مشروطیت هویدا است: «مردمان راست طلب مفتخوار ظالم به حقوق، چنین در نظرشان جلوه کرده و به انظار هم جلوه داده‌اند که پیغمبر (ص) فرموده: «اطلبوا العلم ولو بالصین» یا «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»، یعنی از کودکی تا مردن تمام مرد و زن تا چین هم باید بروند واجب است تحصیل علوم تربیت و فقه و اصول فقه نمایند. نمی‌دانم به چه قانون این اتهام را به پیغمبر خود می‌بندند ...!»^{۱۸}

۴. اقلیت یهود و مدارس نوین

سابقه اقلیت یهود در کاشان، به روزگار پیش از اسلام می‌رسد؛ اما آنچه منابع بر آن اذعان دارد، وجود اقلیتی فعال از یهود در کاشان دوره صفویه می‌باشد که به صنعت و تجارت پارچه و ابریشم مشغول بوده‌اند. در زمان نادرشاه افشار، یهودیان نقاط دیگر، رو به کاشان آوردند و کاشان مرکز روحانیون یهود ایران گردید و اورشلیم کوچک نام گرفت. زیرا چند نفر از خاخامهای یهود از بیت‌المقدس به شهر آمدند و علمای یهود دیگر شهرها، از علمای کاشان اجازه امور روحانی یهودیان را دریافت می‌کردند.^{۱۹}

در دوره قاجار، وضعیت اقلیت یهود کاشان سال به سال وخیم‌تر شد. سختی زندگی و تأمین معاش از یکسو و فشارهای مسلمانان افراطی و حتی ادارات دولتی^{۲۰} از سوی دیگر، باعث شد تا بسیاری

با قوانین شرع ما دارد؟ اگر بگوئیم منافات دارد، خفت شریعت مقدسه خود را گفته‌ایم. مگر تربیت بنی نوع بد است؟^۳ البته نامبرده در مقام یکی از علمای روشنفکر و اصیل کاشان، به خطرات ترویج بهائیت نیز توجه داشته و نوشته است: «چیزی که هست، نباید کتب ضلال را تحصیل کرد. کی گفته در مکتبخانه تحصیل احکام بابیه یا یهودیه را [باید] کرد.»^۴ این حرف بدان جهت بوده که در مدرسه آلیانس - که به دست اقلیت یهود کاشان اداره می‌شد - به طور ضمنی به تعلیم آموزه‌های یهود پرداخته می‌شده و چون محصلان مسلمانان هم به این مدارس می‌رفته‌اند، نگرانی از این بابت وجود داشته است و به این امر اعتراض می‌شده که چرا در مدرسه آلیانس کاشان بجز برنامه (پروگرام) وزارت معارف، دروس دیگری هم تدریس می‌شده است.^۵

ملا عبدالرسول مدنی، به‌رغم نگرانی که از وجود این تبلیغات در مدارس داشت، از آموزش زبان فرانسه در این مدارس دفاع می‌کرد: «می‌گوئی تحصیل زبان فرانسه نباید کرد. اگر فلان آقا زبان فرانسه هم دانسته باشد عیب اوست یا هنر او؟ عادل نخواهد بود! اگر امام علی زبان فرانسه ندانسته باشد، چه می‌گوئی، نمی‌گوئی امام نیست؟ چه شده زبان عربی یا ترکی ضرری به دین نمی‌زند، فرانسوی می‌زند؟ تدین، دخل به زبان ندارد.»^۶

تأکید ملا عبدالرسول مبنی بر اینکه فراگرفتن زبان فرانسه ارتباطی با دینداری افراد ندارد، به خاطر اقدامات شیخ غلامرضا معارفی در فراگرفتن زبان فرانسه و آموزش آن به اطفال بود که عده‌ای او را به همین سبب به بی‌دینی متهم می‌کرده‌اند.

مدنی، به دفاع از علوم جدید هم پرداخته است: «می‌گوئی تحصیل علوم طبیعه - که شعبه‌ای از حکمت عملی است - جایز نیست؛ یعنی نباید بتوانیم چلوار ببافیم، نباید بتوانیم ساعت بسازیم ... می‌گوئی علم جغرافی نباید تحصیل کرد؛ یعنی نباید

از خانواده‌های یهودی به جاهای دیگر بخصوص همدان نقل مکان کنند.

پولاک، شمار خانوارهای یهودی کاشان را به نقل از یک خاخام یهودی اهل همدان، ۲,۰۰۰ نفر^{۲۱} و حبیب لوی در تاریخ یهود ایران، ۸۰ خانواده تخمین زده است.^{۲۲} این روند کاهش و کوچ یهودیان تا مشروطه ادامه یافت. اوژن اوبن در کاروانسرای کوچکی در سلطان‌آباد، یهودیان را - که عده‌شان در حدود ۶۰ نفر و مهاجر از کاشان و همدان بودند - ملاقات کرده است.^{۲۳}

در دوره مشروطه، علیه اقلیت یهود کاشان فعالیت‌هایی صورت می‌گرفت که مأموران سیاسی انگلیس در اسناد خود مکرر به ثبت رسانده‌اند.^{۲۴}

باتوجه به آنچه گذشت، یهودیان کاشان از حقوق و مزایای اجتماعی خود در دوره قاجار محروم بودند. یهودیان کاشان بسیار علاقه‌مند بودند که فرزندان‌شان بتوانند براحقی در مدارس تحصیل کنند. این وضعیت، در تمام شهرهای دارای اقلیت یهودی وجود داشت. از این جهت تظلم‌نامه‌هایی از تمام یهودیان ایران به اتحادیه جهانی یهودیان (آلیانس اسرائیلیت اونیورسال) نوشته شد و کارگروه مرکزی آلیانس در اجابت این درخواست، از فرصت مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ استفاده کرد و در تاریخ شنبه ۲۱ ژوئیه ۱۸۷۳م. / ۱۵ جمادی‌الاول ۱۲۹۰ق. در محل هتل پارلمان فرانسه، به حضور شاه ایران رسیدند^{۲۵} و از شاه، اجازه تأسیس مدارس آلیانس را گرفتند.^{۲۶}

نماینده یهودیان در گفتگو با شاه، آدلف کرمیو بود. بعد از آن ملاقات و طبق دستور شاه، صدراعظم میرزا حسین خان سپهسالار، در نامه‌ای به تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۸۷۳م. / ۱۲ جمادی‌الاول ۱۲۹۰ق. اجازه تأسیس مدارس آلیانس را داد.^{۲۷} اما تأسیس آلیانس کاشان در ۱۳۲۸ق. / ۱۹۱۰م. یعنی حدود ۳۷ سال بعد صورت گرفت و دلیل این تأخیر، نامشخص

است. بعد از مشروطیت و به دنبال ایجاد فضای بازتر، یهودیان توانستند به مدرسه سرداریه وارد شوند و در کنار مسلمانان به تحصیل بپردازند.^{۲۸} به دنبال ایجاد مدرسه آلیانس و امکان فعال‌تر شدن یهودیان، جمعیت آنان در کاشان رو به افزونی گذارد؛ به طوری که در سال ۱۳۳۸ق. / ۱۹۱۹م. نماینده کلیمیان در مجلس شورای ملی از کاشان انتخاب گردید.^{۲۹} لذا به دنبال فعالیت یهودیان کاشان و همچنین انجمن هیراقدیشاه و رئیس آن ملایقوتیل، مدرسه آلیانس کاشان تأسیس شد و اطفال یهود در آن به تحصیل مشغول گردیدند.

۵. دودستگیها در کاشان و مدارس نوین

در کاشان، از دوره قاجار به بعد همواره دودستگی در بین اهالی وجود داشته است. این دوگانگی، ریشه در جنگهای حیدری - نعمتی صفویه داشت. در دوره قاجار، به دلیل ورود پارچه‌های خارجی و تبدیل تجار کاشان به تجار سنتی و تجارکمپرادور، این دوگانگی تشدید شد.

دوگانگی پیشگفته، چه تأثیری بر مدارس کاشان داشت؟ برای پاسخ به این پرسش، می‌باید اندکی به وضعیت اقتصادی کاشان پرداخته شود. اقتصاد شهر کاشان در آن روزگار، بر پایه تولید پارچه می‌گذشت و هرچه به اواخر دوره قاجار نزدیک‌تر می‌شویم، ورود پارچه‌های خارجی باعث تعطیلی بیش‌تر صنایع کاشان می‌شده است؛ به طوری که تعداد دستگاههای بافندگی کاشان در اواخر قاجار از ۸۰۰۰ دستگاه به ۸۰۰ دستگاه رسید.^{۳۰}

تجار سنتی کاشان - که به صادرات پارچه و واردات مواد خام می‌پرداختند - زیان فراوان دیدند و درآمد اقتصادیشان کاهش یافت. در نتیجه در پرداخت وجوهات شرعی به علما و مدارس علمیه، ناتوان شدند. از این جهت، در اواخر قاجار عده‌ای از کارگران بیکار شده صنایع نساجی، به مدارس علمیه

۱۳۱۶ق. / ۱۸۹۸م. در رساله کلمات انجمن، به دفاع از این مدارس پرداخت، اما کاشان نیز شهری جدا از دیگر مناطق نبود، بلکه متأثر از تحولات پایتخت بود و با پدید آمدن مشروطیت، زمینه‌های ایجاد مدارس نوین در آن محقق گردید. زیرا با بلند شدن ندای مشروطیت و نوخواهی، اثرات تبلیغات مخالفان مدارس نوین، رفته رفته کاهش می‌یافت. لذا می‌توان گسترش مدارس بعد از مشروطیت را، از ثمرات انقلاب مشروطه دانست. البته ایجاد مدرسه‌های جدید در آن زمان، واکنش قابل درکی در برابر ضعفها و ناتوانی مکتبخانه‌ها و مدارس سنتی در مواجهه با موقعیت تاریخی جدید نیز بود.^{۳۳}

با ظهور مشروطیت و فعالیت آزادیخواهان و روشنفکران کاشانی همچون شیخ یحیی کاشانی و سید حسن کاشانی در تهران و نیز فخرالواعظین خاوری در قالب روزنامه ثریا در کاشان، فضا برای گسترش مدارس نوین آماده گردید. فخرالواعظین در روزنامه ثریا - که در سال ۱۳۲۷ق. / ۱۹۰۹م. منتشر می‌شد و ادامه روزنامه ثریای تهران و مصر بود - دائماً اخباری از مدارس نوین به چاپ می‌رساند. مدارس علمیه، مظفریه، آلیانس، فتوت، ادب، محمدیه، محمودیه، تربیت، ملیه اسلامی، ابتدائیه نمره ۱ و ۲، توفیقیه و چند کلاس اکابر، به همت این افراد به وجود آمد.

غیر از مدارس پیشگفته و مدارس علمیه در کاشان، مکتبخانه‌هایی هم برای آموزش قرآن و ادبیات و حساب سیاق به طور محدود وجود داشت. در این مکتبخانه‌ها - که به نوعی پیش‌زمینه‌های دروس حوزه‌های علمیه را تدریس می‌کردند - تقریباً همان دروس مدارس نوین با کمی تفاوت تدریس می‌گردید. لذا تقابل نظام سنتی و جدید تعلیم و تربیت، در ابتدای کار در روش آموزش آن هویدا گردید نه در محتوای دروس! یعنی طرز تدریس و شکل مدارس تغییر کرد ولی در ابتدای کار در دروس تغییری داده نشد و چندین سال بعد

پناه بردند و از طرف دیگر، درآمد مدارس علمیه به علت وضعیت وخیم اقتصادی تجار تأمین‌کننده وجوهات شرعی، پائین آمده بود. لذا رکود در این مدارس، در اواخر قاجار مشاهده می‌گردد.

از طرف دیگر، ورود پارچه‌های خارجی به شهر کاشان با سود فراوان همراه بود و عده‌ای از تاجران نوپا به تجارت این پارچه‌ها مشغول بودند و از اروپا پارچه وارد و از کاشان مواد اولیه‌ای همچون پنبه و ابریشم صادر می‌کردند. این گروه از تجار - که به نام تجار کمپرادور (وابسته) نامگذاری شده بودند - به علت رقابت با تجار سنتی و رفت و آمد به اروپا و حشر و نشر با روشنفکران، وجوهات شرعی به مدارس علمیه نمی‌پرداختند و مازاد سود اقتصادیشان با توجه به فرهنگ خاص و نواندیشانه آنان، به سوی مدارس نوین رهسپار می‌شد و باعث رونق آن مدارس می‌گردید.

وضعیت زمانه، آرام آرام تشکیل بورژوازی وابسته را نوید می‌داد. چه، همواره بر ثروت و تعداد این بازرگانان افزوده و از سود و شمار تجار سنتی کاسته می‌شد؛^{۳۱} به طوری که تجار کمپرادور، در طول یک سال حدود ۲۰,۰۰۰ لیره کالا وارد کاشان و قم کردند.^{۳۲} لذا مازاد اقتصادی این گروه، می‌توانست نقش مهمی در رونق مدارس نوین ایجاد کند. فرزندان این تجار به مدارس نوین همچون مدرسه مظفریه، آلیانس، علمیه و سرداریه می‌رفتند و اطوارهایی غیر از رفتارهای دیگران داشتند. از این رو، دوگانگی ریشه‌دار موجود در کاشان و تقویت شده در دوره قاجار، باعث رکود مدارس قدیمه و گسترش مدارس نوین در شهر کاشان گردید.

۶. مشروطیت و مدارس نوین

هرچند که برخی از مدارس کاشان همچون مدرسه علمیه، قبل از پیدایش مشروطیت به فعالیت می‌پرداختند و ضمناً ملا عبدالرسول مدنی در

بود که دروس جدید همچون زبان فرانسه و جغرافی وارد مدارس نوین گردید.

۷. نایبان و مدارس نوین

نایبان، عشیره‌ای از ایل بیرانوند بودند که به دلیل درگیریهای محلی در زمان نادرشاه افشار و در سال ۱۱۵۲ ق. / ۱۷۳۹ م. به کاشان کوچانده شدند. آنها در کاشان پیشه پدران خود را رها ساختند و به رنگرزی مشغول شدند. رئیس این گروه، نایب حسین کاشی، بعدها در زمان مشروطیت به دلیل پاره‌ای از عوامل محلی، ملی و فراملی، توانست قدرت چشمگیری ابتدا در کاشان و بعد در حاشیه کویر مرکزی ایران به دست آورد و به یاغیگری ادامه دهد. نایب حسین و پسرش ماشاءالله خان، سرانجام در سال ۱۳۳۷ ق. / ۱۹۱۹ م. به دست وثوق‌الدوله سرکوب شدند.

بعد از مشروطیت و به دنبال عریض و طویل شدن دستگاه نایبی - که حدود ۲,۰۰۰ سوار را شامل می‌شد - لزوم وجود کارمندانی برای اداره آن مجموعه لازم آمد. لذا ماشاءالله خان سردار، به جهت تربیت هدایت شده کارمندان خود که مبادا جاسوسانی از میان دولتیان در آنها رخنه کند و البته با در نظر گرفتن پاره‌ای مقاصد خیرخواهانه، دستور ایجاد مدرسه‌ای را به نام مدرسه سرداریه در کاشان صادر کرد. این مدرسه، به سال ۱۳۳۰ ق. / ۱۹۱۲ م. افتتاح گردید.

۸. کاشان به عنوان تبعیدگاه

یکی از کارکردهای شهر کاشان در دوره قاجار، استفاده حکومتگران به عنوان تبعیدگاه از آن بود که به دلایل این امر پرداخته می‌شود:

۱- موقعیت جغرافیائی کاشان و نزدیکی به پایتخت، باعث می‌شد که تبعیدی نتواند فعالیت از خود نشان دهد و در صورت ایجاد شورش یا طغیان، سریعاً سرکوب گردد. ۲- تابستان گرم و

زمستان سوزان کاشان تنبیهی برای تبعیدیان بود. ۳- دودستگی حاکم برکاشان، تبعیدی را در منگنه می‌گذاشت تا نتواند از نیروئی حمایتی برخوردار گردد؛ زیرا استفاده از نیروی یک گروه، دیگری را به مقابله برمی‌انگیخت و نیروی این دو گروه همدیگر را ختتا می‌ساخت و امکان بروز توطئه را از بین می‌برد. ۴- وجود تلگرافخانه انگلیس و اداره تلگرافی دولت علیه ایران در کاشان، باعث مخبره اخبار تبعیدیها در صورت بروز حادثه به مرکز می‌شد. از این رو، کاشان از دوره قاجار به بعد، تبعیدگاه مناسبی برای مخالفان حکومت شمرده می‌شد و طیف گوناگونی از تبعیدیان را در خود پذیرفت؛ از میرزا آقاخان نوری تبعید شده به دست حاج میرزا آقاسی گرفته تا امیرکبیر تبعید شده با توطئه میرزا آقاخان؛ از تبعید وکیل‌الدوله مشروطه‌خواه^{۳۴} تا تبعید مخالفان قرارداد ۱۹۱۹. وجود این افراد بویژه دسته دوم در شهر کاشان، باعث پیدایش افکار آزادیخواهانه گردید و جناح آزادیخواه کاشان را تقویت کرد و پدیدار شدن مدارس نوین را، می‌باید از ثمرات این افکار دانست.

ب. نهادهای تعلیم و تربیت در کاشان

۱. مکتبخانه‌ها

مکتبخانه‌ها را شاید به گونه‌ای بتوان واکنشی در برابر حوزه‌ها دانست. زیرا در این مکتبخانه‌ها، بیش‌تر به تدریس ادبیات فارسی در برابر ادبیات عرب حوزه‌های علمیه و البته آموزش احکام مذهبی و قرائت قرآن پرداخته می‌شد. اطلاع از چگونگی کارکرد مکتبخانه‌ها مشکل می‌نماید؛ چونکه مکان مشخصی برای خود نداشتند و معمولاً کلاسهای آنها - اگر بتوان تعبیر کلاس را درباره آنها درست دانست - در منازل معلمان، مساجد، دکه‌های بازار یا سر گذرها تشکیل می‌شد.

مکتبدارها، عمدتاً معلمانی بودند که خود از

در بیدگل به لحاظ وجود درویش گنابادی بجز مکتبخانه‌های معمولی، گونه دیگری از مکتبخانه‌ها هم بخصوص در محله سلمقان وجود داشته که در آن به تدریس عرفان و آموزش حقایق اهل دل می‌پرداخته‌اند. این مکتبخانه‌ها به صورت موازی با مدارس نوین و بیش‌تر غیررسمی به فعالیت خود ادامه می‌دادند و خانواده‌های مذهبی، فرزندان خود را برای تعلیم به آن نهادهای تربیتی می‌فرستادند. افرادی نیز بودند که هم به مدارس نوین می‌رفتند و هم در مکتبخانه‌ها به تعلیم می‌پرداختند و شاید خانواده‌ها در فرستادن فرزندان‌شان به مدارس نوین و مکتبخانه‌ها، به ابعاد تعلیم و ترکیه نظر داشته‌اند. این گونه مکتبخانه‌ها، در حدود سالهای دهه ۱۳۴۰ش. / دهه ۱۹۶۰م. در نظام آموزش رسمی و دولتی مستحیل گردیدند.

۲. مدارس نوین

ایجاد مدارس نوین در کاشان، سابقه‌ای بیش از تأسیس اداره معارف در کاشان دارد. در اینجا به ترتیب قدمت، به ذکر تعدادی از مدارس کاشان پرداخته می‌شود که قبل از ایجاد تشکیلات رسمی به فعالیت مشغول بوده‌اند. درخور یادآوری است که در این دوره - که تا قبل از تشکیل اداره معارف به سال ۱۳۳۵ق. / ۱۹۱۶م. را شامل است - در کاشان مدرسه‌ای برای تربیت دختران وجود نداشت و مدارس فقط در کاشان اقلیتها دختران تحصیل می‌کردند که در جای خود از آنها یاد خواهد شد.

۱-۲. مدارس ملی مسلمانان

۱-۱-۲. مدرسه علمی

این مدرسه، به سال ۱۳۱۳ق. / ۱۸۹۵م. در کاشان به وجود آمد.^{۴۰} مؤسسان این مدرسه، روشنفکران و روزنامه‌نگاران کاشانی همچون شیخ غلامرضا

معلومات و سواد کافی برخوردار نبودند و حتی نمی‌توانستند معلومات محدود خود را به روشی درست به کودکان منتقل کنند. در این نهادهای آموزشی، دانش‌آموزان را تنبیه بدنی می‌کردند. مواد آموزشی برای کودکان سنگین و خارج از فهم بود و انگیزش آموختن در کودکان و نوجوانان به وجود نمی‌آورد.^{۳۵} مکتبدارها، کتابهایی همچون دیوان حافظ، گلستان سعدی، مثنوی مولوی، خمسه نظامی، دیوان سنائی و خلاصه الحساب شیخ بهائی را تدریس می‌کردند و فهم این کتابها برای محصلان مشکل می‌بود.

هرم سنی محصلان، افراد ۵ تا ۱۵ساله را دربرمی‌گرفت. طبق گزارش ملک‌المورخین، رئیس معارف کاشان، در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. یک باب مکتبخانه رسمی به نام ادب با ۱۴ شاگرد در جوشقان وجود داشت.

سپهر، یک سال بعد در کتاب مختصر جغرافیای کاشان، تعداد مکتبخانه‌ها را ۲ باب ذکر کرده است.^{۳۶} این تعداد به سال ۱۳۰۶-۱۳۰۷ش. / ۱۹۲۷-۱۹۲۸م. به ۲۴ باب رسید.^{۳۷} در سال ۱۳۰۷-۱۳۰۸ش. / ۱۹۲۸-۱۹۲۹م. به ۱۴ باب، شامل ۱۰ باب در شهر با ۲۰۹ شاگرد و ۴ باب در روستا شامل ۴۳ شاگرد کاهش یافت. گفتنی است که این آمار و ارقام، شامل مکتبخانه‌هایی می‌شد که احیاناً برای دریافت مقرری یا وسایل و لوازم به اداره معارف گزارش می‌دادند. اما مکتبدارانی هم بوده‌اند که بدون ارتباط با تشکیلات دولتی به فعالیت می‌پرداخته‌اند و دست یافتن امروزمین ما به اطلاعاتی درباره آن نهادها دشوار می‌باشد.

از مکتبخانه‌های اطراف کاشان، می‌توان از دو مکتبخانه در نطنز نام برد.^{۳۸} در نوش‌آباد، یک مکتبخانه در حدود سالهای ۱۳۳۰ق. / ۱۹۱۱م. دایر بوده که استاد حسین بیدگلی در آن به تدریس می‌پرداخته است.^{۳۹}

معارفی، آقا علی نراقی و شیخ یحیی کاشانی بودند. اما اداره مدرسه همواره با شیخ غلامرضا معارفی بود؛ زیرا نراقی درگیر کارهای انجمن تشویق کاشان و مبارزه با مخالفان مشروطه و نایبان بود و سرانجام به دستور نایب حسین کاشی و به دست پسر نایب کشته شد و جنازه او را در چاه مزرعه «دوک» انداختند و بدین لحاظ، لقب «شهید» بدو داده شد.

شیخ یحیی کاشانی هم بعد از مدتی - که مدیریت مدرسه را به عهده داشت - به تهران نقل مکان کرد و به انتشار مقالات خود در روزنامه‌های پایتخت و سردبیری *حبل‌المتین* تهران پرداخت. مدرسه علمیه تنها مدرسه کاشان بود که تاکنون باقی مانده است و می‌توان ردپای آن را در تاریخ پر فراز و نشیب آموزش و پرورش کاشان دنبال کرد. نظام وفای آرانی، در کتاب *یادگار اروپا*، در مورد این مدرسه نوشته است: «سال اول مشروطه، در کاشان مدرسه‌ای به نام مدرسه علمیه به طرز مدارس امروزه به وسیله دانشمند شهید، آقای علی نراقی و چند نفر دیگر تأسیس و غلامرضای معارفی - که از آزادیخواهان روشنفکر بنام بود - نظامت آن را به عهده گرفت.»^{۴۱}

مدرسه علمیه، پس از تعطیل شدن مدرسه مظفریه گسترش یافت و شاید بدین علت باشد که نظام وفا سال تأسیس آن را سال اول مشروطه آورده است. محل این مدرسه، خانه پدری مرحوم حسن خان مبصرالممالک پدر اللهیار صالح بود که روبروی مسجد آقابزرگ قرار داشت و مبصرالممالک، این خانه را در اختیار معارفی قرار داده بود. «... مدرسه مظفریه تعطیل می‌گردد. در همین اوان مدرسه دیگری در کاشان به اسم مدرسه علمیه، به همت یکی از کاشانیها - که ... به آقا شیخ غلامرضای معارفی موسوم می‌باشند - دایر می‌گردد. مرحوم مبصرالممالک، آقای [اللهیار صالح و برادرهایش را بلافاصله به مدرسه علمیه فرستادند. محل این

مدرسه، از ابتدا تا آخر فعالیت در همان خانه پدربزرگ اللهیار خان بوده ...»^{۴۲} البته مدرسه مدتی در منزلی در دربند مخبر هم دایر بوده است.^{۴۳}

در مدرسه علمیه، در ابتدا *گلستان سعدی*، *دیوان حافظ*، جزو اول قرآن و حساب سیاق تدریس می‌گردید. بنا به گفته شاگردان قدیمی آن مدرسه از جمله سیدعباس احدیت، مدرسه شش کلاس داشت و کلاس اول داخل سرپوشیده ساختمان قرار داشت. احدیت، از همشاگردیهای خود، جهانشاه صالح، حسین مخبر، احمد صفری، سید عبدالله رضوی و ناصری را نام می‌برد.^{۴۴}

از معلمان مدرسه علمیه می‌توان به شیخ غلامرضا معارفی و مهدی فاضل نراقی، فضل‌الله امامت، مرتضی کرسوی، عبدالله امام، محمدخان پرورش - که پس از تعطیلی مدرسه مظفریه و بازگشت به کاشان چندی در این مدرسه به تدریس مشغول بود - ابوالمعالی مصطفوی نژاد و اسماعیل کمال، اشاره کرده است.

شیخ غلامرضا معارفی در مدرسه علمیه بجز مدیریت، به تدریس زبان فرانسه نیز می‌پرداخت. وی زبان فرانسه را از یک یهودی خارجی در کاشان آموخته بود. به خاطر آنکه در مدرسه علمیه زبان خارجی تدریس می‌شد، عده‌ای در بازار مسگرها علیه شیخ غلامرضا، لُتو^{۴۵} برپا می‌کنند که شیخ غلامرضا رفته فرنگی شده، و به مدرسه می‌ریزند و معارفی از در دیگر فرار می‌کند و در حکومت بست می‌نشیند تا اینکه اوضاع به دست حکومت آرام می‌شود و سرانجام معارفی، موفق به تدریس زبان فرانسه در مدرسه می‌گردد.^{۴۶}

مدرسه علمیه در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. و در زمانی که عبدالحسین سپهر (ملک‌المورخین) ریاست اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه کاشان را عهده‌دار بود، جزو تشکیلات رسمی دولتی درآمد و سپهر در گزارشی که در همین سال به وزارت

۱۳۴۴ ش. / ۱۹۶۵ م. در کاشان درگذشت. افراد مبرز و شخصیت‌های تأثیرگذار فراوانی در مدرسه علمیه به تحصیل پرداخته‌اند. اسامی تعدادی از آنها در پایان سندی که در سال ۱۳۰۷ ش. / ۱۹۲۸ م. در اعتراض به جایجائی معارفی از کاشان به گلپایگان، به وزارت معارف نوشته‌اند، آمده است. دقت در این اسامی، اهمیت مدرسه علمیه را به عنوان نخستین نهاد آموزشی رسمی کاشان نشان می‌دهد: اللهیار صالح مستنطق اول مرکز، علی پارسا نایب اول نظمیۀ تهران، نصرالله پارسا سلطان و مدیر تعلیمات و فرمانده گردان مدارس نظام، سلیمان صالح (شریف‌الملک سابق) رئیس کارکنان و احصائیۀ اداره کل عوایدات داخلی، ابراهیم غفاری، عبدالحسین بقاءالملک، مهدی نراقی، دکتر سیده‌مهدی طرفه معاون مریضخانه دولتی تهران، محمد نراقی معلم ریاضیات مدارس متوسطه مرکز، ابوالقاسم نراقی ناظم مدرسه متوسطه سلطانی و دبیر ریاضی محمدرضا پهلوی^{۴۸}، علی پاشا صالح و حسین صفائی نراقی.

از دل مدرسه علمیه، دبستان پهلوی و بعدها دبیرستان پهلوی به وجود آمد که سالها به فعالیت خود ادامه داد و هم اکنون با نام دبیرستان امام خمینی، با ساختمانی مجلل در مرکز شهر کاشان وجود دارد.

۲-۱-۲. مدرسه مظفریه (مظفری)

قبل از به وجود آمدن مشروطیت، چندین مرتبه آزادیخواهان و روشنفکران کاشان به فکر ایجاد مدارس نوین در این شهر افتادند، اما به لحاظ جو بسته و تبلیغات شدید، فعالیت‌های آنان به نتیجه نمی‌رسید. روزنامه ثریا گزارش داده است: «... لہذا بعضی از خیرخواهان این شهر یعنی دو نفر از اشخاص غیرتمند، به خیال افتادند احداث مدرسه نمایند به نام مدرسه مظفری و از طرف حکومت کاشان هم کمال

معارف داده است، از مدرسه علمیه به نام مدرسه‌ای که قبلاً در کاشان فعالیت داشته و به واسطه نبودن عایدی بسته شده است، نام می‌برد. حال آنکه وی در ذکر مدارس حالیۀ شهر کاشان به مدرسه ابتدائیۀ نمره ۱ اشاره می‌کند که همان مدرسه علمیه است و بعد از آنکه زیر نظر معارف درآمد، به دبستان «علمیۀ احمدیہ» تغییر نام داد و از آن جا که یک مدرسه ابتدائی دیگر هم در کاشان ایجاد شده بود، نام مدرسه ابتدائیۀ نمره ۱ به مدرسه علمیه اطلاق گردید. مدرسه ابتدائیۀ نمره ۱، به سال ۱۳۳۷ ق. / ۱۹۱۸ م. ۴ کلاس، ۶ نفر معلم و ۴۰ نفر شاگرد داشت.^{۴۷} مدرسه علمیه، در آن زمان به لحاظ قدمت جزو مهم‌ترین نهادهای آموزشی کاشان به حساب می‌آمد. لذا همواره اخباری از آن را می‌توان در روزنامه‌های محلی کاشان دنبال کرد.^{۴۸} مدرسه علمیه در سال ۱۳۰۵ ش. / ۱۹۲۶ م. دارای ۱۵۰ نفر شاگرد مجانی و ۸ نفر آموزگار بود و تعداد فارغ‌التحصیلان مدرسه تا این تاریخ بالغ بر ۱۸ نفر بوده است.^{۴۹}

مدرسه علمیه، در سال ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م. به دبستان پهلوی تغییر نام داد. سید محمد سلیمی، مدیریت دبستان پهلوی را عهده‌دار بود. از آموزگاران دبستان پهلوی می‌توان به ابوعلی صفائی، جواد معارفی، سید عبدالرحیم فاطمی، اسماعیل کمال، حسینعلی منشی، میرزا احمدخان طاهری و اکبر قدرت‌اللهی اشاره کرد.

شیخ غلامرضا معارفی پس از برکنار شدن ابراهیم طالقانی با حفظ سمت مدیریت مدرسه، به ریاست اداره معارف کاشان رسید و پس از چندین سال، در سال ۱۳۰۷ ش. / ۱۹۲۸ م. به ریاست معارف گلپایگان منصوب شد. وی برای پیشرفت تحصیلی فرزندان، کار خود را به تهران منتقل کرد و در اداره کل کارگزینی وزارت معارف مشغول به کار شد و نشان لیاقت دریافت کرد. معارفی، در سال ۱۳۳۱ ش. / ۱۹۵۳ م. بازنشسته شد و به کاشان بازگشت و در

همراهی درباره آنها شد. چون خواستند شروع به این مشروع مقدس نمایند و جمعی از اطفال را از وبال و پریشانی و بی علمی برهانند که ناگاه دست قضا چشم رضای آنان را بر بست و تیرهای آنان به هدف اصابت ننشست. بعضی از آقایان عظام شهر، مانع این امر خیر مقرون به صواب گردیدند.^{۵۱}

یک ماه قبل از این نیز در ماه شوال عده‌ای از روشنفکران به خیال ایجاد مدرسه ملی افتادند. اما با ممانعت آقاسید محمد مجتهد مواجه شدند.^{۵۲} با وجود مخالفت‌های زیاد، سرانجام این مدرسه (احتمالاً بعد از مشروطیت) تأسیس گردید. اوژن اوین، وزیر مختار فرانسه - که در سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۶ م. به ایران سفر کرده است - در سفرنامه خود ضمن اشاره به زندگی حاجی میرزا فخرالدین نراقی، آورده است: «... با مدرسه مظفری هم کاری ندارد. این مدرسه در سال گذشته تأسیس شد. هزینه آن از محل داوطلبانه علاقه‌مندان - که ماهی چهل و پنج تومان بود - تأمین گردیده است. البته شهریه تحصیلی هم به آن مبلغ اضافه می‌شود. جوانان شهر در این مدرسه زیر نظارت و امریت شدید یکی از شاگردان قدیمی مدرسه دارالفنون تهران، زبان فرانسه می‌آموزند.»^{۵۳}

مدیر مدرسه مظفریه، محمدخان پرورش فرزند سید محمدحسن بن حاج میرزا ابوالقاسم حسینی، از رجال آزادیخواه کاشان بود. پرورش، با همکاری خانواده‌های پرنفوذ کاشان همچون غفاری و شیبانی، به اداره مدرسه می‌پرداخت. یکی از افراد خانواده غفاری، خانه خود را در محله پشت عمارت واقع در سرپله، در خیابان محتشم کنونی نزدیک زیارت میرنشانه، در اختیار پرورش قرار داده بود.^{۵۴} البته گفتنی است که هدف اصلی پرورش از ایجاد این مدرسه در کاشان، تبلیغ مرام حزب دموکرات و تبلیغ مشروطه‌خواهی بود.

اللهیار صالح، از شاگردان این مدرسه می‌باشد. کامل‌ترین گزارش از این مدرسه از زبان اللهیار صالح

و در زندگینامه ایشان یافت می‌شود که به قلم خسرو سعیدی نگاشته شده است: «داستان تأسیس این مدرسه - که پس از سالها بر زبان آمده - بسیار شنیدنی است. این داستان را مرحوم میرسید محمدخان پرورش، در روزهای آخر حیات خود در بستر بیماری اولین بار به آقای صالح گفته است و عده زیادی هنوز این راز را نمی‌دانند: پس از انقلاب مشروطیت، حزب دموکرات تهران - که پرچمدار آزادی و از مبلغین بزرگ رژیم مشروطیت بود - به عضو هجدهساله پرورش خود یعنی پرورش - که از خاندانهای روحانی کاشان بود - مأموریت می‌دهد تا اصول مشروطیت و مرام آزادی و آزادیخواهی را در کاشان تبلیغ کند. مرحوم میرسید محمدخان برای نیل به این هدف، هیچ بهتر از آن نمی‌بیند که مدرسه‌ای با اصول نو بنا نهد و از شخصیتها و خانواده‌های کاشان بخواهد که فرزندان خود را به این مدرسه بفرستند.»^{۵۵}

پرورش، به خاطر نایبان و قتل و غارت آنان و نیز اقدامات مخالفان مشروطیت و برای مقابله با حرکت‌های مخالفان، با ایجاد مدارس نوین، علاوه بر تدریس دروس نظری، به شاگردان خود تیراندازی و مشق نظام نیز می‌آموخت. پرورش، به شاگردان ۱۴ سال به بالای خود توصیه می‌کرد که هر کدام از آنان از منزل خود و یا اقوامشان یک قبضه تفنگ شکاری به مدرسه بیاورند و معلم نظامی در مدرسه طریقه حمل اسلحه و هدفگیری و تیراندازی دسته جمعی را به بچه‌ها آموزش می‌داد و برای تعلیم سنگربندی و دفاع از محل در موقع حمله دشمن، سردر مدرسه مظفریه و بام آن را به عنوان سنگر استفاده می‌کردند. این امر چند بار هنگام هجوم نایبان و دیگر اشرار به مدرسه، باعث نجات مدرسه گردید. زیرا شاگردان بلافاصله در پشت بام مدرسه سنگربندی می‌کردند و با شلیک چند تیر، اشرار را فراری می‌دادند.

دانش‌آموزان مدرسه مظفریه در جریان به توپ بسته شدن مجلس، در دفاع از مشروطیت اقدام به

بزرگ حزب دموکرات، سفری به کاشان کرد و به توزیع مرامنامه حزب پرداخت^{۵۷} که این کار او با واکنش عده‌ای از روحانیون کاشان مواجه شد و آنها تحت نام هیئت علمیه کاشان، جلوگیری از نشر مسلک دموکراتی را در کاشان خواستار شدند.^{۵۸} بی‌شک گسترش این حزب سیاسی را، می‌توان از ثمرات ایجاد مدارس نوین بخصوص مدرسه مظفریه و تربیت دانش‌آموزان نواندیش آن دانست.

۲-۱-۳. مدرسه ملیه اسلامی

این مدرسه به سال ۱۳۲۵ق. / ۱۹۰۷م. در کاشان ایجاد شد. از این مدرسه با عنوان فنیه، در کتاب عکسهای تاریخی ایران یاد شده است.^{۵۹} مدرسه ملیه اسلامی را، حاجی سید صدرالدین و حاجی مبصرالسلطنه تأسیس کردند. مدیر مدرسه، آقای سید حبیب‌الله و ناظم آن، میرزا مهدی خان بود. معلم فرانسه مدرسه، میرزا جلال‌الدین خان، از شاگردان مدرسه فلاحت مظفری تهران بود. مدرسه اسلامی، دارای ۵ کلاس درس بود که تا سال پنجم در آن تحصیل می‌کردند.^{۶۰}

محل این مدرسه، در میدان کهنه کاشان قرار داشت و در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. دارای ۳۰ شاگرد مجانی و ۱۳۹ شاگرد غیرمجانی و دارای ۶ کلاس درس بود. با به وجود آمدن مدارس دولتی، از رونق این مدرسه کاسته شد. در گزارش سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. عبدالحسین سپهر به وزارت معارف، این مدرسه در شمار مدارسی آمده است که به علت نبود مقرری تعطیل شده‌اند.^{۶۱}

۲-۱-۴. مدرسه فتوت (توفیقیه)

این مدرسه را در سال ۱۳۲۷ق. / ۱۹۰۹م. در کاشان آقاسید عبدالله کاشانی تأسیس کرد. شاگردان مدرسه در دو کلاس حاضر می‌شدند و دو نفر آموزگار تدریس آن را عهده‌دار بود که یکی از آنان، میرزا

برپائی تظاهرات در سطح شهر کاشان کردند. اللهیار صالح، خاطره این تظاهرات را نقل کرده است: «محمدعلی شاه، با بستن مجلس و تارومار کردن وکلای مردم، ظاهراً پیروز شده بود و از این رو، مرحوم پرورش نهال جوان آزادی را در معرض تندباد و طوفان می‌دید. لذا شاگردان خود را جمع کرده و دو به دو در یک صف قرار داد و پرچم ایران را در کاشان برای نخستین دفعه پیشاپیش صف برافراشت و آنان را از طول بازار مسگرها - که آن زمان شهرت داشت از جدی‌ترین طرفداران استبداد هستند - جهت تحصن در تلگرافخانه به آنجا برد. در طول راه یکی از جوانها - که شال سبز به کمر بسته و عمامه‌ای به سر و عبای مشکی بر دوش داشت - به صدای بلند می‌گفت: «وطن در خطر است» و بقیه شاگردان می‌گفتند: «یا مرگ یا آزادی!» بعد همان جوان می‌گفت: «مملکت در شرف اضمحلال است!»؛ باز شاگردان می‌گفتند: «یا مرگ یا آزادی!» و این حرکت که شاید بتوان گفت اولین دمونستراسیون و راهپیمائی است، در تاریخ مبارزات آزادیخواهی که از طرف یک مدرسه صورت گرفته است، چند بار تکرار گردید.»^{۵۶}

از شاگردان مدرسه مظفریه غیر از اللهیار صالح و دیگر فرزندان مبصرالممالک، می‌توان از سرلشگر سیف‌الله پارسا، سرهنگ علی پارسا، سرلشگر ابراهیم ضرابی، میرزا محمدخان ناصری، سرهنگ حسین شیبانی، سید مصطفی صالح، محمدعلی خان شیبانی، حاج عزیز آقا عاطفی و عده‌ای دیگر از فرزندان اعیان و بزرگان کاشان نام برد.

پرورش، پس از استقرار مشروطیت و پایه‌گذاری حزب دموکرات کاشان، مأموریت خود را در این شهر تمام شده یافت و به تهران بازگشت. ولی مدرسه مظفریه در کاشان تعطیل گردید، اما بذر تحزب و آزادیخواهی در کاشان ریخته شد؛ به طوری که به سال ۱۳۲۹ق. / ۱۹۱۱م. حیدرخان عمواغلی، رهبر

عبدالحسین آقازاده، از شاگردان مدرسه آلمانی تهران بود که فرانسه تدریس می‌کرد.^{۶۲}

تعداد شاگردان در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. بالغ بر هفتاد نفر بود.^{۶۳} این مدرسه در محله تُرک‌آباد قرار داشت. طبق احصائیه سال ۱۳۰۶ش. / ۱۹۲۷م.، مدرسه دارای ۵۰ شاگرد بوده که ۱۰ نفر از آنان مجانی و ۴۰ نفر به صورت غیرمجانای تحصیل می‌کردند. تعداد آموزگاران مدرسه را در آن سال ۳ نفر ذکر کرده‌اند.

۲-۱-۵. مدارس اکابر

این مدارس را در ذیحجه سال ۱۳۲۷ق. / دسامبر ۱۹۰۹م.، سه نفر از آزادیخواهان کاشان به نامهای آقاسید محمدعلی و حاجی آقا علی و ملا حمزه علی در کاشان افتتاح کردند. مدارس اکابر کاشان دارای ۳ شعبه بود؛ یک شعبه از آن به نام مدرسه اکابر در محله درب زنجیر کاشان و شعبه دوم به نام مدرسه احرار در محله پنجه شاه و شعبه سوم به نام مدرسه قدسیه، در محله سوریجان قرار داشت. در این مدارس، از علوم جدید و قدیم هردو تدریس می‌شد و همان طور که از نامشان پیداست، افراد ۱۵ تا ۴۰ ساله در آن مدارس پذیرفته می‌شدند. ساعت کار این مدرسه‌ها، از نیم ساعت به غروب تا دو ساعت و نیم از شب گذشته بجز شبهای جمعه بود.^{۶۴}

۲-۱-۶. مدرسه سرداریه

ماشاءالله خان کاشی پسر نایب حسین - که اداره امور نایب‌ان را در زمان پیری پدرش به عهده داشت - به سال ۱۳۳۰ق. / ۱۹۱۱م. به فکر افتاد که از افراد تحصیل کرده برای رتق و فتق تشکیلات نایبی کمک بگیرد. از این جهت و نیز به خاطر آنکه بر پرورش و تربیت این کارمندان نظارت داشته باشد تا مبادا جاسوسانی از میان حکومتیان در بین آنان رخنه کند، مدرسه سرداریه را در باغ سرداریه، واقع در بیرون دروازه عطای کاشان به وجود آورد^{۶۵} تا اطفال

روستائیان و فقرا، زیر نظر کامل مربیان و معلمان تربیت شوند.

این مدرسه سه کلاسه، بعداً گسترش پیدا کرد و به صورت مدرسه ۶ کلاسه درآمد و به مکانی خارج از باغ سردار منتقل شد. مدرسه سرداریه، شبانه‌روزی بود و بجز اطفال مسلمان، فرزندان کلیمیهای کاشان هم در آن به تحصیل می‌پرداختند.^{۶۶} در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. مدیریت مدرسه بامیرزا احمدخان شیروانی بود و هفتاد شاگرد کاملاً مجانی در آن درس می‌خواندند. تعداد معلمان مدرسه در آن سال ۵ نفر ذکر شده است.^{۶۷}

مدرسه زیر نظر هیئت سرپرستان، شامل این افراد اداره می‌شد: سید ابراهیم فلاح، معزالدوله صالح، شاهزاده پهلوان ایواهای و محمد سیف لشگر. این هیئت، خواستار آن بود که شاگردان علاوه بر آموختن دروس مطابق پروگرام وزارت معارف، برخی از فنون و ورزشها را نیز همچون سوارکاری، تیراندازی و ورزشهای بدنی فراگیرند. همچنین برای آموختن حقایق علمی ساده به دانش‌آموزان، مقرر شده بود که کتاب *طلوع تمدن الاختراعات عظیمه* را - که میرزا محمد منشی از منابع علمی ترجمه کرده و در سال ۱۳۲۸ق. / ۱۹۱۰م. در بمبئی به چاپ رسیده بود - بخوانند. به علت فقدان کتاب در ایران، ماشاءالله خان به یکی از بازرگانان هندی مقیم کاشان دستور داد تا صد نسخه از آن از هند تهیه کند و به کاشان بیاورد. شاگردان مدرسه، این کتاب را زیر نظر معلمان خود می‌خواندند.^{۶۸}

در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. جلسه‌ای به مناسبت جشن پایان سال تحصیلی مدرسه سرداریه تشکیل گردید و در آن جلسه از افراد سرشناس شهر همچون سید محمدتقی کیوان، حسن هنجنی، معین نظنزی، مبصرالممالک صالح و از روحانیون شهر همچون آیت‌الله رضوی، شریعتمدار، غروی و شیخ محمود نجفی تبریزی و همچنین عبدالحسین

آن سال دارای سه آموزگار و ۱۰۰ نفر دانش‌آموز بود. مدرسه محمدیه در محله سلطان میراحمد، از محلات اعیان‌نشین کاشان واقع بود. براساس آمار سال ۱۳۰۶ش. / ۱۹۲۷م.، مدرسه دارای ۶ شاگرد مجانی و ۲۴ شاگرد غیرمجانمی بوده است.^{۷۲}

۲-۱-۸. مدرسه محمودیه

این مدرسه، به سال ۱۳۳۲ق. / ۱۹۱۳م. در محله سرلت کاشان به وجود آمد. مدیر مدرسه در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. سید محمود صدرالواعظین و ناظم آن، خادم سید یوسف و دارای ۸۰ شاگرد غیرمجانمی و ۶ کلاس و ۶ آموزگار بوده است. طبق آمار سال ۱۳۰۶ش. / ۱۹۲۷م.، ۱۲۲ نفر شاگرد نزد ۴ آموزگار در این مدرسه درس می‌خوانده‌اند.^{۷۳}

۲-۱-۹. مدرسه تربیت

تاریخ ساخت این مدرسه مشخص نمی‌باشد، اما در گزارش عبدالحسین سپهر به وزارت معارف، از این مدرسه جزو مدارسی که در کاشان فعالیت داشته‌اند، نام برده شده است. مدیر مدرسه تربیت در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. آقا ضیا نام داشته و مدرسه، دارای ۳ کلاس و ۴ آموزگار و ۶۰ دانش‌آموز بوده است.^{۷۴}

۲-۲. مدارس یهودیان

۲-۲-۱. مدرسه پسرانه آلیانس اسرائیلیت اونیورسال در سال ۱۳۲۶ق. / ۱۹۰۸م. ملا یقوتیل پسر اسحاق - که ریاست انجمن هیراقدیشاه را در تهران به عهده داشت و از تأسیس مدارس آلیانس در تهران و شهرهای دیگر اطلاع یافته بود - به فکر افتاد مدرسه‌ای در کاشان تأسیس کند. لذا و به گفته حائری (مدیر بعدی مدرسه)، یقوتیل تمام هستی خود را صرف ساختن مدرسه کرد؛ به طوری که پس از پایان ساختمان مدرسه، آه در بساط نداشت و برای امرار معاش، با زنش شروع به ابریشم‌کشی کرد.^{۷۵}

سپهر (ملک‌المورخین)، به عنوان ریاست معارف دعوت شده بود. در آن جلسه، ابتدا سپهر گزارشی از وضعیت مدرسه ارائه کرد. بعد از سخنرانی سپهر، آیت‌الله غروی، جهت تشویق دانش‌آموزان، به شاگردان اول هر کدام یک سکه طلا داد که این کار مورد توجه ماشاءالله خان قرار گرفت.^{۶۹} آیت‌الله شریعتمدار هم در دفتر مدرسه یادداشتی نوشت و از وضعیت مدرسه اظهار رضایت کرد و اقدام ماشاءالله خان را مورد تحسین قرار داد. ماشاءالله خان سردار، بخوبی می‌دانست که به محض آنکه دولت مرکزی بتواند نیروئی فراهم آورد، به سرکوب نایبیان و انجام کار آنان خواهد پرداخت. از این نظر و برای آنکه مدرسه پایدار بماند، املاک فراوانی وقف مدرسه سرداریه کرد که شامل مزارع، مغازه‌ها، حمام و آسیابها می‌باشد.^{۷۰} اما به‌رغم وجود وقفنامه، به محض اعدام ماشاءالله خان، رئیس اردوی اعزامی به کاشان، به مدرسه سرداریه یورش برد و کلیه لوازم مدرسه را غارت کرد و شاگردان و معلمان مدرسه را فراری داد و دو بنای باشکوه مدرسه را - که از سنگ و آجر ساخته شده بود - ویران و جزو بقیه اموال چپاول شده نایبیان، به سود دولت مصادره کرد.^{۷۱}

پس از این پیشامد، اداره معارف کاشان و وزارت معارف بارها برای بازگرداندن اموال وقفی ماشاءالله خان از تصرف دولت، مذاکره کرد اما به لحاظ شرارت نایبیان و ناخرسندی دولت از ایشان و نیز درآمیختن اموال وقفی با سایر اموال غارتی اشرار، به خواهشهای اداره معارف و حتی اهالی کاشان توجهی نگردید.

۲-۱-۷. مدرسه محمدیه

سید محمد کاشانی، این مدرسه را به سال ۱۳۳۱ق. / ۱۹۱۲م. در کاشان تأسیس کرد. مدیر این مدرسه در سال ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۸م. آقا سید حبیب‌الله بود. مدرسه از چهار کلاس تشکیل می‌شد و در



کاشی سردر مدرسه آلیانس کاشان

ندادن بنارش به نامه‌های اداره معارف کاشان، شکایتی تنظیم و بازرسی از مرکز به نام امیر حسامی فرستاده شد و صحت خلافت‌های نامبرده را تأیید کرد.^{۷۶} لذا بدین لحاظ و به خاطر اختلاف بنارش با داوود جاوید، انجمن کلیمیان کاشان وی را در حوالی سالهای ۱۳۱۰-۱۳۱۱ ش. / ۱۹۳۱-۱۹۳۲ م. از کار برکنار کرد و تا سال ۱۳۱۳ ش. / ۱۹۳۴ م. مرتضی دانشور، از یهودیان اصفهان مدیریت مدرسه را برعهده داشت؛ تا اینکه در همان سال رضا فرجاد آزاد، رئیس اداره فرهنگ کاشان، تقی حائری را - که فردی طلبه و بسیار سختکوش بود - به مدیریت مدرسه منصوب کرد. وی اوضاع مدرسه را سر و سامان بخشید، بعضی از معلمان را اخراج کرد و

سرانجام این مدرسه با کمک میرزا داوود جاوید، از یهودیان کاشان، در همان سال افتتاح گردید. مدرسه آلیانس، در محله پای قپان کاشان قرار داشت و بر سردر آن، تصویر و نوشته‌هایی کاشیکاری شده اثر استاد علی اکبر کاشی‌ساز وجود داشت. در بالای آن سردر، دو فرشته در دو طرف، تاجی را در میان گرفته‌اند و در زیر تاج، لوحه‌ای به زبان عبری نوشته شده و در زیر لوحه، تندیس یقوتیل قرار دارد. در زیر تصویر یقوتیل، این جمله‌ها به چشم می‌خورد: «اینجانب یقوتیل خلف مرحوم اسحق، به رضایت قلبی تمام یک باب خانه و عمارات آن را وقف ملت محترم بنی اسرائیل مقیم کاشان نمودم؛ در حیات و ممات من، شخصی از وراث من حقی به این خانه نداشته و نخواهد داشت؛ ۱۳۲۹ ق.»

مدرسه آلیانس کاشان را می‌توان به عنوان یکی از مدارس خارجی برشمرد که در ایران وجود داشته است. زیرا بیش‌تر هزینه این مدرسه را اتحادیه جهانی یهودیان (آلیانس اسرائیلیت اونیورسال) پرداخت می‌کرد و تجار کلیمی کاشان و اداره معارف هم به مدرسه کمک می‌کردند. از جمله مدیران مدرسه آلیانس، می‌توان از عبدالرحیم فاطمی، شیخ محمدرضا ضیائی و خوش لسان نام برد که طبیب بود.

در سال ۱۳۰۵ ش. / ۱۹۲۶ م. از طرف مؤسسه آلیانس ایران، یک نفر به نام بُنارش همراه با همسرش به کاشان اعزام شد. وی مدیریت ضعیفی داشت و دائماً با اداره معارف کاشان و وزارت معارف درگیر می‌شد. اوج این درگیریها در سال ۱۳۰۸ ش. / ۱۹۲۹ م. بود که بنارش در برنامه درسی رسمی مدرسه دست برده بود و برخلاف موازین وزارت معارف، ساعات بیش‌تری به تدریس زبان عبری و فرانسه اختصاص داده بود.

همچنین برخلاف مقررات وزارت معارف و در جهت اهداف فرهنگی آلیانس، اقدام به برپائی کلاس اکابر شبانه زبان فرانسه کرده بود. لذا و به دنبال جواب

بفرستند تا از تبلیغات دین یهود مصون بمانند. پس، این احتمال که به علت نبود دانش‌آموز کلاسهای سیکل اول متوسطه، تعطیل شده باشد، بیراه نیست. از معلمان قدیمی مدرسه آلیانس، می‌توان از ملا یدید و برادرش ملا شوغیظ، ملا حییم، حائری، موسیو بنارش، رضا ناظم و مزرعتیان نام برد. حائری، نقل کرده است که سرداوود آلیانس، سرمایه‌دار مشهور انگلیسی، تا سال ۱۳۲۴ش. / ۱۹۴۵م. در مدرسه آلیانس و بعد اتحاد تحصیل کرده و بارها از وی برای سفر به لندن دعوت کرده است. به گفته او، چند نفری از مشاهیر یهود در اسرائیل و آمریکا در مدرسه ایشان تحصیل کرده‌اند.^{۸۱}

با وجود اینکه مدرسه آلیانس به نام اتحاد تغییر نام داده بود و بسیاری از شاگردان آن نیز مسلمانان بودند، اما همواره از آلیانس اسرائیلیت اونیورسال به این مدرسه کمک می‌شد و مدرسه هم موظف بود هر ماهه به آلیانس مرکزی گزارش دهد.

به هر صورت، با تلاشهای حائری، این مؤسسه فرهنگی با نام اتحاد به حیات خود ادامه داد و در سال ۱۳۲۸ش. / ۱۹۴۹م. به تقاضای اولیای دانش‌آموزان و همکاری رئیس فرهنگ وقت، شورای عالی فرهنگ اجازه تأسیس دوره اول متوسطه را به نام حائری صادر کرد و در همان سال، کلاس دخترانه اول دبیرستان دایر شد که فعالیت آن تا ۱۳۵۲ش. / ۱۹۷۴م. ادامه داشت و در آن سال به مدرسه راهنمایی تبدیل شد. این مدرسه، سرانجام در سال ۱۳۵۷ش. / ۱۹۷۹م. و پس از آنکه حائری با ۳۴ سال خدمت بازنشسته شد، در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفت.

۲-۲-۲. مدرسه دخترانه آلیانس

سابقه این مدرسه، به سال ۱۳۲۶ق. / ۱۹۰۸م. و تأسیس مدرسه آلیانس پسرانه بازمی‌گردد. این مدرسه، به صورت مختلط با مدرسه پسرانه آلیانس

برخلاف مدیران قبلی، اجازه داد شاگردان مسلمان به مدرسه وارد شوند. حائری، با حقوق ماهیانه ۳۰ تومان به کار ادامه داد تا در زمان ریاست معزالدین معارفی بر فرهنگ کاشان در سال ۱۳۲۶ش. / ۱۹۴۷م. به استخدام رسمی فرهنگ درآمد.^{۷۷} او در آن سال مدرسه را - که مختلط بود - به دو مدرسه دخترانه و پسرانه تفکیک کرد. زیرا اکثر شاگردان آن مسلمانان بودند.

مدرسه آلیانس کاشان همانند دیگر مدارس آلیانس ایران، در سال ۱۳۲۰ش. / ۱۹۴۲م. به مدرسه ملی اتحاد تغییر نام داد. در سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ش. / ۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ م. مدرسه اتحاد کاشان دارای ۶ کلاس و ۱۲۴ دانش‌آموز دختر و ۱۷۷ دانش‌آموز پسر و ۸ نفر نیروی آموزشی بود. از معلمان مدرسه در آن سال، می‌توان به تقی حائری، طاهره توحیدی، طیبه اکرمی، قدسیه اکرمی، اسحاق نیک فهم، ملکزاده شیبانی و فضل‌الله مروجیان اشاره کرد.

درآمد مدرسه در آن سال، ۲۰,۴۰۰ ریال بود که از محل شهریه اطفال و نیز کمک قصابخانه کلیمیها و احتمالاً کمکهای آلیانس مرکزی تأمین می‌شد. احتمال می‌رود در حوالی سالهای ۱۳۱۱-۱۳۱۲ش. / ۱۹۳۱-۱۹۳۲م. و بعد از برکناری بنارش، کلاسهای اول متوسطه در این مدرسه تأسیس شده باشد. زیرا کارنامه‌ای از آن سال موجود است که این امر را گواهی می‌کند. اما این دوره محدود بوده و شاید به دلیل نبود دانش‌آموز یا شهریه لازم تعطیل شده است؛ زیرا در گزارش سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ش. / ۱۹۴۰-۱۹۴۱م. تقی حائری به اداره فرهنگ کاشان، اشاره‌ای به کلاسهای سیکل اول نشده است.^{۷۸}

همچنین در دوره رضاشاه، عده زیادی از یهودیان کاشان به تهران کوچیدند؛^{۷۹} به طوری که کل جمعیت یهودیان کاشان در دوره رضاشاه به ۲,۵۰۰ نفر رسید^{۸۰} و مسلمانان هم بیشتر ترجیح می‌دادند فرزندان خود را به دیگر مدارس کاشان

اداره می‌شد. اما بعدها حائری به سال ۱۳۲۶ش. / ۱۹۴۷م. دو مدرسه را از هم جدا کرد. کارکنان مدرسه آلیانس دخترانه، عبارت بودند از: ملکزاده، شیبانی، قدسیه اکرمی، آقای یداللهی، اسحاق نیک فهم، طاهره توحیدی، آقای حائری، آقای حمیم شوخط، پرویندخت شیخ‌الاسلامی، قدسیه نقبائی، آذر شیبانی، پری شمویلیان، طاهره پناهی، صمدیان، ژاله منوچهری، روحی جوادیان، پریدخت فرشباف، همایون سپهری، داوود قدسی (مستخدم) و داوود مرغی‌زاده (مستخدم).^{۸۲}

اکثر دانش‌آموزان این مدرسه از خانواده‌های یهودیان مانند جاوید، حلبی، شوخط و صراف یا از خانواده‌های مسلمان بودند. تمام قوانین و مقررات مدرسه آلیانس پسرانه در مورد این مدرسه هم مراعات می‌گردید. مدرسه آلیانس دخترانه، در سال تحصیلی ۱۳۰۶-۱۳۰۷ش. / ۱۹۲۷-۱۹۲۸م. دارای ۵۵ دانش‌آموز بوده است.^{۸۳}

نتیجه

- ۱- موقعیت جغرافیائی کاشان، نقش مهمی در حیات فرهنگی این شهر بازی کرده است.
- ۲- فعالیت محصلان اعزامی به فرنگ و روشنفکران و روزنامه‌نگاران در کاشان، در فراهم ساختن بستر ایجاد مدارس نوین نقش تأثیرگذاری داشته است.
- ۳- احداث مدارس نوین در کاشان، واکنش گروه‌های بهره‌مند از نظام تعلیم و تربیت سنتی را برمی‌انگیخت و به صورت یکی از چالش‌های آموزش و پرورش نوین عمل می‌کرد.
- ۴- وجود اقلیت یهودی در کاشان، به صورت عامل پیشبرنده در زمینه احداث مدارس اقلیتها و عامل کندکننده ایجاد مدارس ملی مسلمانان عمل می‌کرد. زیرا فعالیت اقلیتها، باعث تعمیم واکنش روحانیون نسبت به تمام متولیان مدارس نوین و

کارشکنی در کار آنها می‌گردید.

۵- تشکیل بورژوازی وابسته در کاشان و ایجاد طبقه تجار کمپرادور، باعث تقویت آموزش و پرورش نوین گردید. زیرا مازاد سود اقتصادی این طبقه در رقابت با تجار سنتی، در تقویت مدارس نوین هزینه می‌شد.

۶- مشروطیت و ایجاد مدارس نوین در کاشان، بر یکدیگر تأثیر متقابل داشت. از یک سو عملکرد دانش‌آموزان و معلمان مدرسه علمیه و مظفریه به نفع مشروطیت بود و از دیگر سو، مشروطیت فضا را برای فعالیت مدارس نوین فراهم می‌ساخت.

۷- عملکرد نایبان به‌رغم ضربه کلی به اقتصاد کاشان، در زمینه احداث مدارس نوین، مثبت ارزیابی می‌شود.

۸- با ایجاد مدرسه مظفریه، ریشه تحزب در سراسر تاریخ معاصر کاشان دوانده شد.

۹- مخالفت نظام بسته مذهبی حاکم بر جامعه کاشان، چالش عمده تحصیل دختران شمرده می‌شود.

۱۰- تأسیس اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در کاشان، برآیند احساس نیاز به مرکزی جهت رتق و فتق امور مدارس ملی بود.

پی‌نوشتها

- ۱- علی نائینی، گزارش کویر، به اهتمام محمد گلبن (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶)، ص ۹۳.
- ۲- حسینقلی نظام‌السلطنه، *خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام‌السلطنه مافی*، به کوشش منصوره اتحادیه و دیگران، چاپ ۲ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ص ۲۹۲.
- ۳- اوژن اوین، *ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷)*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی (بی‌جا: زوار، ۱۳۶۲)، ص ۲۶۶.
- ۴- یاکوب ادوارد پولاک، *سفرنامه ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ ۲ (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸)، ص ۴۵.
- ۵- حسین محبوبی اردکانی، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید*

- ۲۷- همان، ص ۷۱۵.
- ۲۸- باقر مواظب (مصاحبه)، کاشان، تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱۸.
- ۲۹- سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۵۲۱۵، محل در آرشیو ۰۰۳۸۰۰۳۸.
- ۳۰- محمدرضا فشاهی، *واپسین جنبش قرون وسطائی در دوران فتودال* (تهران: جاویدان، ۱۳۵۶)، ص ۴۴؛ احمد سیف، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم* (تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۳)، ص ۳۱۳.
- ۳۱- سید محمود سادات بیدگلی «گروههای اجتماعی و مشروطیت در کاشان» فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۳ (بهار ۱۳۸۱)، ص ۵۸.
- ۳۲- چارلز عیسوی، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹)، ص ۱۸۲.
- ۳۳- محمدجواد محسنی نیا، «آموزش و پرورش» *دانشنامه کاشان*، (منتشر نشده)، ص ۴۰.
- ۳۴- حسن معاصر، *تاریخ استقرار مشروطیت در ایران* چاپ ۲ (تهران: ابن سینا، ۱۳۵۳)، ص ۹۴۳.
- ۳۵- *اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی*، به کوشش سهیلا ترابی فارسانی (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸)، صص نه و ده مقدمه.
- ۳۶- عبدالحسین ملکالمورخین سپهر کاشانی، *مختصر جغرافیای کاشان*، به تصحیح افشین عاطفی (کاشان: مرسل، ۱۳۷۸)، ص ۱۷.
- ۳۷- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، *احصائیه معارف و مدارس (۱۳۰۷-۱۳۰۸)*، مطبوعه روشنائی، (بی جا: بی تا)، ص ۳۴۴.
- ۳۸- همان، صص ۳۲۹-۳۳۰.
- ۳۹- محمد مشهدی نوش آبادی، *نوش آباد در آئینه تاریخ* (کاشان: مرسل، ۱۳۷۸)، ص ۲۹.
- ۴۰- مجدالدین معارفی (مصاحبه)، کاشان، ۱۳۸۲/۲/۸.
- ۴۱- نظام بن محمود آران (نظام وفا)، *یادگار سفر اروپا* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۳)، ص ۲۰.
- ۴۲- خسرو سعیدی، *اللهیار صالح*، (بی جا: طلایه، ۱۳۶۷)،
- در ایران (تهران: انتشارات انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۴۵)، ص ۳۳۹.
- ۶- غلامعلی سرمد، *اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه* (تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲)، ص ۱۵۶.
- ۷- عبدالرسول مدنی، *رساله انصافییه* (کاشان: مرسل، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۶.
- ۸- عبدالرسول مدنی، *کلمات انجمن*، نسخه عکسی نزد نگارنده، صص ۳۲-۳۳.
- ۹- همان، ص ۳۸.
- ۱۰- همان، ص ۳۹.
- ۱۱- اصل: خورد.
- ۱۲- عبدالرسول مدنی، *کلمات انجمن*، صص ۲۲-۲۳.
- ۱۳- عبدالرسول مدنی، *رساله انصافییه*، ص ۱۰۵.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- مرکز اسناد ریاست جمهوری، *اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران، ۱۳۱۰-۱۳۱۷* ش. (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱)، صص ۲۴۹-۲۵۰.
- ۱۶- مدنی، *رساله انصافییه*، ص ۱۰۵.
- ۱۷- همان، صص ۱۰۵-۱۰۶.
- ۱۸- همان، صص ۱۰۶-۱۰۷.
- ۱۹- حبیب لوی، *تاریخ یهود ایران* (تهران: بروخیم، ۱۳۳۹)، جلد ۳، ص ۱۰۱۷.
- ۲۰- ادیب بیضائی، *دیوان* (تهران: سپهر، ۱۳۲۷)، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.
- ۲۱- پولاک، پیشین، ص ۲۶.
- ۲۲- لوی، پیشین، ص ۷۲۸.
- ۲۳- اوژن اوین، پیشین، ص ۳۲۴.
- 24- Iran Political diaries, General E ditor dr. R.M. Burrell, Archive Edition limited, 1997, vol 3, p 282 , 443.
- ۲۵- لوی، پیشین، صص ۷۰۷-۷۰۸.
- ۲۶- همان، ص ۷۱۲.

- ۶۲- همان. ص ۲۴.
- ۶۳- قاسمی پویا، پیشین. ۴۳- احمد خان قطبی (مصاحبه)، کاشان، ۱۳۸۲/۲/۱۲.
- ۶۴- روزنامه *ثریا*، (چاپ کاشان)، شماره ۴، (ذیحجه ۱۳۲۷ق.)، ص ۴. ۴۴- محسنی نیا، پیشین، ص ۱۸.
- ۶۵- در این مکان هم اکنون پاسگاه شماره ۳ نیروی انتظامی مستقر می‌باشد. ۴۵- یک نوع رسم آب پاشی بود که در بازار مسگرها انجام می‌شد. اگر در بازار با کسی مخالف بودند، هنگام عبور او از بازار، به سر و صورتش آب لجن می‌پاشیدند تا او را در برابر انظار خفیف کنند و احتمال می‌رود این کار را در مورد معارفی نیز انجام داده باشند.
- ۶۶- سید محمود سادات بیدگلی، تحولات سیاسی اجتماعی کاشان از مرگ ناصرالدین شاه تا کودتای رضاخان، ۱۳۱۳-۱۳۳۸ق.، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، دیماه ۱۳۸۰)، ص ۲۱۷. ۴۶- مجدالدین معارفی، همان.
- ۶۷- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، *سالنامه یونت نیل ۱۲۹۷* [ش.ا]، مطبوعه تهران (تهران: بی تا)، ص ۱۰۷. ۴۷- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، *سالنامه یونت نیل ۱۲۹۷*، ص ۱۰۷.
- ۶۸- محسنی نیا، پیشین، ص ۲۵. ۴۸- روزنامه *ثریا* (چاپ کاشان)، شماره ۱۰، (۲۲ محرم ۱۳۲۸)، ص ۳.
- ۶۹- حسن عاطفی (مصاحبه)، کاشان، ۱۳۸۰/۱/۵. ۴۹- قاسمی پویا، پیشین، ص ۴۳۶.
- ۷۰- مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره سند ۱۰-۴/۷۶۳. ۵۰- کیوان نراقی، فرزند ابوالقاسم نراقی (مصاحبه)، تهران، ۱۳۸۱/۹/۲۰.
- ۷۱- مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره سند ۳۵-۴/۷۶۳. ۵۱- روزنامه *ثریا*، سال هفتم، شماره ۱۱ (۱۰ ذیقعدة ۱۳۲۳)، ص ۸.
- ۷۲- قاسمی پویا، پیشین. ۵۲- عبدالحسین سپهر، *مرات الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین* (دو کتاب در یک مجلد)، به تصحیح عبدالحسین نوائی (بی‌جا: زرین، ۱۳۶۸)، ص ۲۹۹.
- ۷۳- همان. ۵۳- اوین، پیشین، ص ۲۷۸.
- ۷۴- همان، ص ۴۳۷. ۵۴- حسن عاطفی (مصاحبه)، کاشان، ۱۳۸۰/۱/۵.
- ۷۵- محسنی نیا، پیشین، ص ۲۲. ۵۵- سعیدی، پیشین، صص ۲۱-۲۲.
- ۷۶- مرکز اسناد ریاست جمهوری، پیشین، صص ۲۴۸-۲۶۱. ۵۶- همان، ص ۲۳.
- ۷۷- محسنی نیا، پیشین، ص ۲۲. ۵۷- سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۳۱۳۲، محل در آرشیو ۶۳۵ث آپ ۱.
- ۷۸- سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۷۰۰۶۱۶۱، محل در آرشیو ۷۹- لوی، پیشین، ص ۹۶۴.
- ۸۰- سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۶۰۰۴، محل در آرشیو ۴۲۰ق اب الف ۱. ۵۸- سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۲۲۴۶، محل در آرشیو ۰۰۱۷۰۰۷۸.
- ۸۱- محسنی نیا، پیشین، ص ۲۳. ۵۹- قاسمی پویا، پیشین.
- ۸۲- همان، ص ۳۳. ۶۰- روزنامه *ثریا*، همان.
- ۸۳- مرکز اسناد ریاست جمهوری، پیشین، ص ۲۴۱. ۶۱- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، *سالنامه یونت نیل ۱۲۹۷*ش.، ص ۱۰۷.